یادداشت روز ...

نمی‌شود سلطان سکه را در مدت کوتاه اعدام کنید اما نوبت به وزیرتان که رسید همه چیز غیرشفاف شود!

عباس عبدی

اینکه نمی‌شود کسی را به نام سلطان سکه بگیرید و در یک فضای ملتهب در مدت کوتاهی اعدام کنید، ولی نوبت وزیر خودتان که می‌رسد همه چیز غیرشفاف شود!

عباس عبدی در یادداشتی با عنوان «نتیجه حمایت از وزیر» نوشت: ماجرای آقای ساداتی‌نژاد وزیر جهاد دولت! منحصر به فردترین مورد فسادی است که پس از انقلاب رخ داده است. یک مجموعه سیاسی در آخرین سالی که در دستگاه قضایی بودند با تشکیل دادگاه‌هایی خارج از ضوابط متعارف قانونی برای مبارزه با فساد افراد زیادی را بدون حق اعتراض محکوم کردند و بعدها هنگامی که دادگاه‌ها به روال عادی در آمدند، تعداد زیادی از آنان تبرئه شدند و البته چند نفر را هم با سرعت اعدام کردند که اعتراض آنها هم شنیده نشد.

این گروه با اتکا به امواج این نمایش‌های تأسف‌بار، قدرت اجرایی را در دست گرفت ولی در مدت کوتاهی پس از آن وزیری که سید است و از فعالان مهم ستاد انتخاباتی آنان بود، و قرار بود موفق‌ترین وزیر کابینه جهادی آنان و الگویی برای دیگران باشد، در یک پرونده به واقع مفتضح و کثیف محکوم شد، البته تا آخرین لحظه هم در صندلی وزارت تکیه زده بود و از همین رو و در شرایط خشکسالی ارزی بزرگ‌ترین فساد ارزی تاریخ ایران در دوره او رقم زده شد.

این ماجرا پاسخی است که دست تقدیر سیاست به آن دادگاه‌های نمایشی داد و برای اولین بار یک وزیر هنگامی که در مصدر کار است محاکمه و سپس محکوم می‌شود. همه اینها یک طرف، هنوز یک گزارش رسمی و مستند از فرآیند چگونگی رخ دادن این فساد داده نشده است و هیچ تضمینی برای نبودن فسادهای مشابه در گذشته یا رخ ندادن آنها در آینده وجود ندارد.

چرا تضمین وجود ندارد؟ به این علت که رویکرد دولت در مبارزه با فساد اصیل نیست. هنوز هم می‌گویند که مشکل آقای وزیر تخلف بوده و نه جرم! ایرادی ندارد، برای اثبات این ادعا گزارش رسمی و قضایی پرونده و احکام صادره را منتشر کنید تا مردم بدانند وی مرتکب جرم نشده است.

ولی مهم‌تر از هر چیز، این است که چرا این فسادهای بزرگ در وزارتخانه‌ای به نام جهاد و مرتبط با امنیت غذایی کشور رخ داده است؟ موضوع از چند زاویه باید بررسی شود. اول، علت رخ دادن این فسادهای کلان و ضعف‌هایی که در فرآیندهای اداری و نظارتی وجود دارد و کوشش‌هایی که باید برای جلوگیری از تکرار فساد انجام شود. دوم، بازگرداندن اموال و پول‌های تاراج شده و سوم نیز مجازات قاطع مجرمان به نحوی که با فساد رخ داده، تناسب داشته باشد.

در میان این سه مساله اولی از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است؛ ولی این دولت هنوز در این باره اطلاع‌رسانی نکرده است. آنچه درباره فساد نهادهای دامی شنیده می‌شود، حکایت از یک مجموعه وسیع فاسد در داخل و خارج آن وزارتخانه و با هماهنگی کامل یکدیگر بوده است. چرا جزییات این فساد و ساز و کاری که منجر به وقوع آن شد را منتشر نمی‌کنند؟ چرا پس از کشف آن بلافاصله وزیر مذکور برکنار نشد؟

طبیعی است که آن ساز و کار فاسد همچنان وجود داشت که پس از فساد در نهاده‌های دامی، توانستند ۳/۴ میلیارد دلار را هم در بزرگ‌ترین فساد تاریخ ایران یعنی چای دبش صرف کنند. اینها فقط دو مورد از فساد است؛ حتی درباره بازگرداندن اموال به یغما رفته نیز فقط ادعاهای رسمی را می‌شنویم که می‌گویند برمی‌گردد، ولی این کافی نیست، باید همه جزییات و مستندات و سیر پرونده منتشر شود. به علاوه به علت تورم شدید، ارزش اموال باید به قیمت روز محاسبه شود. و بالاخره متناسب بودن مجازات با جرم نیز مستلزم اطلاع افکار عمومی از فرآیند دادرسی و جزییات پرونده است.

اینکه نمی‌شود کسی را به نام سلطان سکه بگیرید و در یک فضای ملتهب در مدت کوتاهی اعدام کنید، ولی نوبت وزیر خودتان که می‌رسد همه چیز غیرشفاف شود! این حمایت از فرد متهم، بدترین اقدام و موجب تشدید فساد است. ما نمی‌گوییم که حتما آقای وزیر مرتکب فساد شده، ولی به محض باز شدن پرونده، حتی اگر او متهم هم نبود باید از وزارتخانه کنار می‌رفت تا بدون حضور او در وزارتخانه، رسیدگی قضایی انجام شود. اگر چنین می‌شد، قطعا جرم و فساد وحشتناک بعدی ۳/۴ میلیارد دلاری چای دبش رخ نمی‌داد. سپس باید در دادگاه علنی محاکمه و گزارش جزییات در افکار عمومی منتشر شود و اگر تبرئه شد، دو باره در مسوولیت‌های دولتی مشغول شود و اگر محکوم شد، مجازات وی باید متناسب با خطاهایش باشد، هر چند آبروریزی چنین افرادی مهم‌ترین مجازات آنان است.

واقعیت این است که از ابتدا و تاکنون هم آقای وزیر تحت حمایت دولت قرار داشته و به جای انتشار گزارش فساد منتهی به صدور حکم و نیز جزییات فساد چای دبش که هنوز به دادگاه نرسیده، اصرار دارند که وی تخلف کرده و جرمی مرتکب نشده است. می‌گویند بسیاری از کارشناسان و حقوقدانان در داخل و خارج دولت چنین نظری دارند در حالی که هنوز پرونده منتشر نشده است پس آنها از کجا دیده‌اند؟ چرا خودشان چنین مواضعی را اعلام نمی‌کنند؟ چند نفرشان را معرفی کنید تا با آنان گفت‌وگو شود.

روشن است که اگر ترسی وجود نداشت، پرونده را منتشر می‌کردند ولی همچنان در فضای عدم شفافیت از وزیری حمایت می‌کنند که اگر صد درصد هم بی‌اطلاع از این دو فساد رخ داده در وزارتخانه‌اش باشد (دو موردی که افشا شده، شاید موارد دیگری هم باشد) همین ضعف برای محکومیت او به عنوان کسی که متولی کاری شده ولی فاقد صلاحیت بوده و برای مراجع منصوب کننده او کافی است. او کسی است که هنگام معرفی کابینه ادعا کردند که موفق‌ترین وزیر دولت خواهد بود.

اشتباه مهم دولت این است که گمان می‌کند با حمایت از این وزیر می‌تواند او را نجات بدهد، این دفاع به مثابه وزنه سنگینی است که به پای حامیان بسته می‌شود و ده‌ها برابر وزیر را با خود به زیر آب خواهد برد. شما که می‌خواهید چین را الگو قرار بدهید و هیچ بخش دیگر از سیاست‌های سازنده آن را انجام نمی‌دهید، حداقل از مجازات سخت مفسدان دولتی حتی اگر وزیر باشند، حمایت کنید.

از وزیر محکوم و دارای پرونده، یک پیام روشن دارد، اینکه نمی‌توانید جز این عمل کنید. همه یکی و همچون گروه بسته‌ای هستند که مطابق الگوی یکی برای همه و همه برای یکی، رفتار می‌کنند. حمایت از ماجرای باغ ازگل هم از همین نوع است. تا آخرش باید بروید.

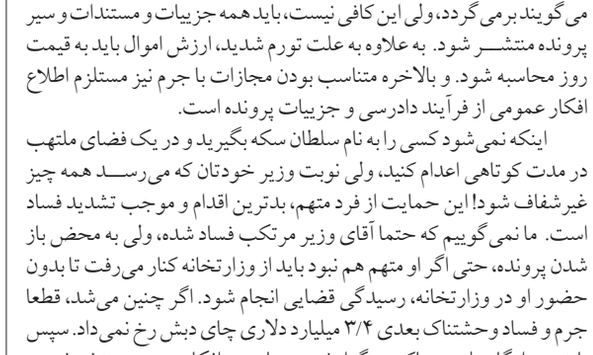

اولین مریضی که پیوند کبد شد من وزیر بودم، به شیراز رفتم و چقدر خوشحال بودم که در ایران چنین کاری انجام دادیم، از این مرکز پیوند حمایت کردیم، در یک سال پیوند کبد شیراز رتبه یک دنیا شد.

سرویس سیاسی – ملک‌زاده در بحران شیوع ویروس کرونا معاون وزیر بهداشت بود، اما خودش می‌گوید دل خوشی از آن روزها ندارد و فقط «تلخی»ها برایش به‌یاد مانده است، عجله برای استفاده از واکسن‌های تولید داخل در همه‌گیری کرونا از نقدهای او به سعید نمکی، وزیر سابق بهداشت بود، اختلاف نظری که سبب شد او از وزارتخانه برود، اما صحبت‌هایش درباره سابقه اخراج ۴۰ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی یک‌بار دیگر نام او را به سر زبان‌ها انداخت، معتقد است به‌خاطر همین ناملایمتی‌ها پزشکان از کشور مهاجرت می‌کنند، مهاجرتی که به تعبیر ملک‌زاده به وضعیت بحرانی رسیده است. وزیر اسبق بهداشت به مشکلات اقتصادی در کشور اشاره می‌کند و معتقد است کسانی که اصلاً برجام را نخواندند مانع از اجرای آن شدند، او دستاوردهای ظریف، وزیر سابق امور خارجه را تحسین می‌کند و می‌گوید: «آقایانی که الان سرکار هستند در زمان انتخابات می‌گفتند ۹۰ درصد مشکلات از بی‌مدیریتی و ۱۰ درصد آن به‌خاطر تحریم است، حالا که خودشان آمدند می‌فهمند که تحریم چه ضربه‌ای زده است.»

متن کامل گفت‌وگو با رضا ملک‌زاده را در ادامه بخوانید:

اجازه بدهید برای شروع به سال‌ها قبل برگردیم، در دوره انقلاب فرهنگی شما چه مسئولیتی داشتید؟

من در دانشگاه شیراز به عنوان معاون دانشکده پزشکی و معاون دانشگاه بودم که در یک روند دو سه ساله رئیس دانشگاه شدم و پنج سال هم رئیس دانشگاه ماندم.

آن دوره استادانی داشتید که در جریان انقلاب فرهنگی مجبور شدند دانشگاه را ترک کنند؟

متاسفانه در آن زمان تفکری در دانشگاه حاکم شد که هم استادان و هم دانشجویانی که متفاوت فکر می‌کردند را اخراج کرد.

تصمیم‌گیری شما در آن شرایط چه بود؟

من با این اقدامات مخالفت کردم، حتی وقتی رئیس دانشگاه شدم حکم اخراج یکسری از استادان که توسط افراد تندرو اخراج شده بودند را امضا نکردم، آن روزها نزدیک به ۲۰۰ دانشجو اخراج شدند اما وقتی من رئیس دانشگاه شدم همه آن دانشجوها را برگرداندم. ولی متاسفانه خیلی از استادانی که اخراج شدند به آمریکا رفتند و الان یک شخصیت علمی بزرگ در دنیا هستند، البته من از آن‌ها برای برگشت به دانشگاه دعوت کردم و تعدادی‌شان که در ایران بودند برگشتند و کسانی که از ایران خارج شدند به دانشگاه برنگشتند. با این وجود ما یک مراسم برگزار کردیم و آن‌ها را دعوت کردیم، برای هرکدام‌شان یک کتاب نوشتیم، من هنوزم خودم را مدیون آن استادها می‌دانم، یکی از دردناک‌ترین دوران زندگی من زمانی بود که دیدم این استادان را از دانشگاه اخراج کردند، هرچقدر من با مسئولین آن زمان دانشگاه صحبت کردم که از اخراج این استادان منصرف‌شان کنم اما موفق نشدم.

حدود ۴۰ سال بعد از این تجربه، یک نامه‌ای از آقای دکتر ملک حسینی در دسترس هست و اتفاقا در آن درباره همین افسوسی که شما الان گفتید نوشته‌اند، با این تفاوت که موضوع نامه شما هستید، یعنی اخراج تلویحی و بازنشستگی اجباری که برای شما در نظر گرفتند، ایشان در آن نامه نوشتند که این صندلی دانشگاه تهران هست که به شما نیاز دارد، چرا همچنان مسئله کنار گذاشتن و اخراج استادان وجود دارد؟

تاریخ خیلی مواقع تکرار می‌شود. اجازه بدید یک نکته بگویم، من بعد از ریاست دانشگاه شیراز معاون وزارت بهداشت شدم، آن موقع دکتر فاضل وزیر بودند، سال ۱۳۶۸ ایشان من را به عنوان معاون آموزشی وزارت بهداشت به این وزارتخانه دعوت کردند، وقتی مسئولیت گرفتم دیدم همین مسئله در وزارت بهداشت هم رخ داده است، صلاحیت نزدیک به ۳۰۰ نفر از بهترین فارغ‌التحصیلان پزشکی توسط یک کمیته گزینش رد شده بود تا آن‌ها نتوانند در دوره تخصص ادامه تحصیل دهند.

من اولین کاری که کردم این بود که مجدد پرونده این افراد را بررسی کردم و تقریباً تمام آن‌ها را به دانشگاه برگرداندیم، فقط بعضی از آن‌ها که مهاجرت کرده بودند برنگشتند اما ۲۸۰ نفر از آن‌ها که در گزینش رد شده بودند با اقدام مجدد من به‌عنوان مسئول گزینش به دانشگاه برگشتند. برخی از آن‌ها الان تبدیل به بهترین متخصصان شده‌اند حتی رئیس یک بیمارستان شدند و دارند به مردم خدمت می‌کنند.

فیلترهای گزینش چه بود که این پزشکان را کنار گذاشتند؟

گزینش به آن معناکه مادر جمهوری اسلامی آوردیم واقعاً چیز غلطی بود، بعضی مواقع در آن غرض بود، خیلی مواقع در آن حسادت وجود داشت. در تمام عمرم با تندروی و حذف آدم‌ها مخالفت کردم اما متاسفانه الان همان‌هایی که همیشه تندروی می‌کنند حاکم شده‌اند و با من هم همین کار را انجام دادند.

حذف پزشکان و استادان در همه دهه‌های بعد از انقلاب اتفاق افتاد؟ الان شما از اواخر دهه پنجاه و سال‌های دهه شصت گفتید، در دهه هفتاد چه‌طور؟

دهه هفتاد من خودم وزیر بودم و آن دوره همه‌اش مراسم تجلیل از پزشکان داشتیم، در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و روحانی واقعا ما این مشکلات را نداشتیم، اما از زمان این دولت [اخراج استادان] مجدد شروع شده است و شبیه حذف کردن اساتید در سال‌های انقلاب فرهنگی است.

دلیل‌شان برای حذف کردن یا کنار گذاشتن شما چه بود؟

چند دلیل دارد، یکی از این دلایل حسادت است. حسادت در کشور ما یک پدیده تاریخی است، افرادی مانند امیرکبیر به خاطر حسادت کشته شدند درحالی که بیشترین خدمت را کرده بودند. علت دیگر تنگ نظری است، شما اگر می‌خواهید مملکتی را درست کنید اساس یک مملکت آدم‌های آن به‌ویژه افراد با سواد و با استعداد هستند، یک آدم دانشمند از یک چاه نفت برای کشور اهمیت بیشتری دارد، این همه هزینه می‌کنند تا بتوانند از یک چاه نفت بهره‌برداری کنند اما یک استاد را نمی‌توانند در دانشگاه تحمل کنند. بنابراین دلیل سوم این است آقایان تحمل شنیدن انتقاد را ندارند، درحالی که افراد متعهد و دلسوز هرجا ایرادی ببینند نقد می‌کنند، برخی از مدیران دوست دارند اطرافیان‌شان بله قربان گو باشند، بنابراین ترکیبی از حسادت، نادانی و عدم انتقاد پذیری سبب این مسائل می‌شود.

سال‌هایی که شما مسئولیت داشتید شده بود از نهادهای بالادستی توصیه‌ای برای کنار گذاشتن استادان دانشگاه شود؟

خیلی کم بود، هر وقت هم توصیه‌ای بود بعد از این که توضیح می‌دادیم قبول می‌کردند، در دوران مدیریت من چند مورد پیش آمد و ما هیچ‌وقت حرف آن‌ها را عمل نکردیم بلکه توضیح دادیم.

الان چه‌طور، دخالت نهادهای فرا دانشگاهی در دانشگاه وجود دارد؟

الان را که باید مسئولان فعلی جواب دهند، این مشکلات همیشه در دانشگاه بوده و هست، اتفاقی که برای من افتاد قبل‌تر برای ۴۰ نفر افتاده بود، ۴۰ نفر از بهترین استادان دانشگاه در دو سال گذشته از دانشگاه کنار گذاشته شدند، این افراد به دیوان عدالت اداری شکایت کردند و دیوان حکم به برگشتن آن‌ها به دانشگاه صادر کرد.

اساتید به دانشگاه برگشتند؟

برگشتند اما در جاهای دیگر از آن‌ها استفاده شد، بنابراین اگرچه دانشگاه قانوناً مجبور بود این افراد را به کار سابق‌شان برگرداند اما همین کار را هم درست انجام نداد.

شما از بازگشت خودتان به دانشگاه چه تجربه‌ای دارید؟

من هنوز از دانشگاه نرفته بودم چراکه خبر بازنشستگی من زود بیرون آمد و کار خروجم از دانشگاه ادامه پیدا نکرد. چیزی که من از آن رنج می‌برم این است که من بیش از ۴۲ سال در نظام جمهوری اسلامی خدمت کردم و همیشه آرزو داشتم ما کشوری آباد داشته باشیم، دانشگاه‌های ما آباد باشند و بهترین تحقیقات را انجام دهیم، چیزی که من را به اندوه می‌کشاند این است که چرا همه آنچه که ما برای آبادانی و پیشرفت کشور درست کردیم بعضی‌ها آن نمی‌فهمند و بعضی‌ها آن را تخریب می‌کنند، این درد جان‌سوزی است.

شما به مهاجرت فکر کرده‌اید؟ یا این‌که از مهاجرت نکردن پشیمان نیستید؟

من پشیمان نیستم، من زمانی که در دانشگاه پهلوی بودم همیشه جزو شاگردهای اول و دوم بودم، رقیب من در دانشگاه بعد از پایان تحصیل به امریکا رفت، اما من تصمیم گرفتم در ایران بمانم و حالا به بیش از ۲ هزار دانشجوی پزشکی آموزش داده‌ام، این بهترین تجربه من بود. من وقتی در ایران ماندم توانستم در مدیریت‌ها مثلاً به افرادی که در گزینش رد شده بودند کمک کنم، وقتی به کارنامه خودمان نگاه می‌کنم می‌بینم از نظر علمی توانستم در ایران تدریس و تحقیق کنم درحالی که دوست ما که به آمریکا رفت هیچ‌وقت نتوانست چنین تحقیقاتی انجام دهد. برای مثال ما دارویی در ایران درست کردیم برای جلوگیری از مرگ زودرس، این دارو امسال وارد لیست داروهای ضروری شد که همه کشورها باید داشته باشند، یا مثلاً دارویی درست کردیم که مقابله با هپاتیت C موثر بود، این قرص را رایگان میان افراد مبتلا توزیع کردیم تا مداوا شوند. بنابراین وقتی با خودم فکر می‌کنم اگر بخواهم انتخاب کنم مجدد در ایران می‌مانم با تمام سختی‌هایی که دارد، من همیشه پیشنهادهای متعددی از بهترین دانشگاه‌ها و موسسه‌ها داشته‌ام، فرصت‌هایی که برای یک کنگره سفر می‌کنم و یک هفته از ایران دور می‌شوم دلم برای بیمارانم تنگ می‌شود، من تا آخرین لحظه حیاتم هرچقدر هم که سخت باشد در ایران می‌مانم و به مردم ایران خدمت می‌کنم.

خیلی می‌شنویم مهاجرت پزشکان رواج پیدا کرده و از کشور خارج شده‌اند، این مسئله به مرحله نگرانی رسیده است؟

نه تنها نگرانی، بلکه به مرحله بحرانی رسیده است. بهترین شاگردهایی که در این مملکت تربیت کردم مهاجرت کردند، وقتی از آن‌ها می‌پرسیم چرا مهاجرت می‌کنید پاسخ می‌دهند با شما که این همه خدمت کرده‌اید این برخوردها می‌شود پس قرار است با ما چه برخوردی کنند. هر فرد دانشمند و باسوادی که ما از دست می‌دهیم یک خسران عظیم است اما متاسفانه این آقایانی که این روزها آمده‌اند اصلاً چنین خسرانی را درک نمی‌کنند.

از مهاجرت پزشکان به عنوان بحران نام بردید، این بحران می‌تواند روزی به بحران کمبود پزشک تبدیل شود؟

ما در چهل سال گذشته تلاش کردیم نظام سلامت را ارتقا بدهیم، الان هم یکی از افتخارات جمهوری اسلامی نظام سلامت است، ما توانستیم شبکه‌های بهداشتی درمانی را در نقاط مختلف کشور مستقر کنیم، بهترین پزشکان را در ایران تربیت کردیم و بهترین جراحی‌ها را انجام دادیم، روزهایی بود که ما در کشور پیوند کبد نداشتیم آن روزها مجبور بودیم با خانواده این بیماران صحبت کنیم که برای بیمار شما کاری نمی‌شود کرد او را خانه ببرید تا حداقل در آرامش فوت کند، آن روزها آقای دکتر ملک حسینی و تیم همراه‌شان را به بهترین مرکز پیوند کبد دنیا فرستادیم، بعد از سه ماه دوره دیدن به شیراز برگشتند و پیوند کبد در ایران میسر شد. اولین مریضی که پیوند کبد شد من وزیر بودم، به شیراز رفتم و چقدر خوشحال بودم که در ایران چنین کاری انجام دادیم، از این مرکز پیوند حمایت کردیم، در یک سال پیوند کبد شیراز رتبه یک دنیا شد. درحالی که ما الان با بحران ناامیدی مواجه هستیم، وقتی جوانان می‌بینند که با افراد خدمت کرده این‌طور برخورد می‌شود امید از آن‌ها گرفته می‌شود و بدترین اتفاق این است که دانشجوها در حین تحصیل ناامید شوند. آقایانی که الان سرکار هستند در زمان انتخابات می‌گفتند ۹۰ درصد مشکلات از بی‌مدیریتی و ۱۰ درصد آن به‌خاطر تحریم است، حالا که خودشان آمدند می‌فهمند که تحریم چه ضربه‌ای زده است، هر روز ما می‌بینیم که ناامیدی دارد بیشتر می‌شود، واقعاً آن کاری که ما در برجام انجام دادیم بی‌نظیر بود، رفتیم با همه قدرت‌های دنیا پشت یک میز نشستیم و با کارهایی که دکتر ظریف انجام داد افتخاری به دست آمد، اما متاسفانه افرادی که اصلاً برجام را نخواندند با آن مخالفت کردند تا یک پیمان افتخارآمیز برای ایران زیر سوال برود، وضعیت تحریم‌ها به‌شکلی شده که هر روز وضعیت کشور تغییر می‌کند و این ناامیدی‌ها را تشدید کرده است.

آقای دکتر شما تجربه خوبی هم با دولت قبلی و آقای نمکی نداشتید و مجبور به استعفا شدید، چرا این اتفاق افتاد؟

من همیشه سعی کردم در ایران کار علمی و درست انجام بدهیم و از چیزی که سلامت مردم را تخریب می‌کند پرهیز کنیم، اما وقتی مشاهده کردم ایشان (نمکی –وزیر بهداشت) کارهای اشتباهی انجام می‌دهد احساس کردم وزارتخانه دیگر جایگاه من نیست و آن انتقادات را خیلی صریح به ایشان گفتم، البته قبل از نوشتن انتقاداتم حضوراً به ایشان گفتم. آقای نمکی کسی بود که وقتی من وزیر بودم از او دعوت کردم تا معاون بهداشتی من شود، در آن دوره هم کارهای خوبی انجام داد اما متاسفانه وقتی خودش مسئولیت گرفت ایرادات خیلی متعددی بود وجود آورد.

چه ایراداتی؟

مثلاً شما وقتی می‌خواهید بگویید یک دارو برای مردم مناسب است باید آن را درست مطالعه کنید و شواهد علمی داشته باشید، من زمانی که احساس کردم ایشان در جهت منافع ملی و سلامت مردم حرکت نمی‌کند به خودم گفتم دیگر در آن مجموعه جایگاهی ندارم.

منظورتان از دارو همان واکسن کرونا است؟

نظر من این بود که اگر ما یک واکسنی را در ایران تولید کردیم اول باید آن را تست کنیم تا مطمئن شویم این واکسن ایمنی ایجاد می‌کند، اما این‌ها بعضی مواقع می‌خواستند یک چیزی درست کنند و بدون بررسی بگویند این واکسن است. البته برخی از واکسن‌هایی که در ایران تولید شد تا حدودی مراحل را گذراند. ما واقعا توانایی تولید واکسن داریم و در گذشته هم واکسن تولید کرده‌ایم اما نباید عجله کنیم، وقتی با یک بیماری مانند کرونا مواجه هستیم اول می‌توانیم از خارج واکسن‌های تست شده وارد کنیم و در این فاصله هم خودمان مراحل تولید واکسن داخلی را سپری کنیم و بعد از آن استفاده کنیم.

به‌نظرتان کدامیک از وزرای بهداشت بعد از انقلاب تاثیرگذارتر بودند؟

همه وزرای بهداشت تاثیرات خوبی گذاشتند، دکتر مرندی شبکه‌های بهداشتی درمانی را بوجود آوردند، دکتر پزشکیان هم تلاش زیادی کردند که این دستاورد را حفظ کنند، خانم دستجردی هم در حفظ این دستاوردها تلاش کردند، دکتر قاضی زاده هاشمی یکی از بهترین وزرای بهداشت بود، کارهای اساسی زیادی انجام داد، خیلی از بیمارستان‌ها را نوسازی کرد، نظام شبکه را قوی کرد، خودم هم تلاش کردم همین کارها را انجام بدهم، تعداد خانه‌های بهداشت را اضافه کردم. در زمان من استفاده از شیر مادر خیلی تبلیغ شد و کمک کرد که در مصرف شیر خشک صرفه‌جویی کنیم، مثلاً حدود ۵۰ میلیون دلار صرفه جویی شد، با کلی تلاش از این ۵۰ میلیون دلار برای ساختن خانه‌های بهداشت استفاده کردیم. من وقتی وزیر بودم حتی یک پنجشنبه و جمعه در خانه نبودم. آرزو می‌کنیم این دولت قدردان زحمت‌هایی که در گذشته انجام شده باشد، دستاوردها برای افراد نیست برای کل نظام است، باید این‌ها را حفظ و تقویت کرد تا سلامت را در کشور بالا ببریم.

وزیر بهداشت بارها گفته‌اند کشور ما در شاخص‌های سلامت رتبه اول خاورمیانه است، شما قبول دارید؟

ما در برخی شاخص‌ها این وضعیت را داریم، مثلاً درباره مرگ‌ومیر کودکان و مرگ‌ومیر مادران وضعیت‌مان حتی از آمریکا بهتر است.

البته هنوز به تک رقمی نرسیده‌ایم؟

بله، تک رقمی شدن در این شاخص خیلی سخت است.

در مناطق محروم چه‌طور؟

یکی از چیزهای خیلی مهم در ایران این است که ما در مناطق محروم کار کردیم، ما الان ۱۷ هزار خانه بهداشت داریم، بنابراین یکی از مهمترین دستاوردهای ما در نظام جمهوری اسلامی سلامت بوده است.

این‌که گفتید بوده یعنی الان این دستاورد دارد تهدید می‌شود؟

به‌نظرم بله، به چند دلیل نظام سلامت در کشور ما دارد تهدید می‌شود، یکی از آن عوامل این است که تعرفه‌های پزشکی را واقعی نمی‌کنند، ما باید تعرفه پزشکان را واقعی کنیم و در مقابل بیمه‌ها را تقویت کنیم تا پرداخت هزینه‌های درمان از جیب مردم کم شود، تعرفه‌ها باید در حدی باشد تا فردی که پزشک شد بتواند زندگی کند. پسر خودم فوق تخصص گوارش است و الان در نیشابور کار می‌کند، این جوان به اتفاق خانواده نیاز به رهن کردن یک خانه دارد، پول رهن خانه در نیشابور ۷۰۰ میلیون تومان است، شاید حقوق آن نهایت ۲۰ میلیون تومان باشد، با این درآمد واقعا می‌شود اجاره خانه داد و زندگی کرد؟ یکی از دلایلی که آدم‌ها وارد دوره تخصص نمی‌شوند همین است، باید طوری با جامعه پزشکی برخورد کرد که آن‌ها احساس آرامش و امنیت کنند، احساس کنند وقتی فارغ‌التحصیل شدند می‌توانند در این مملکت کار کنند، کارهایی بود که در گذشته انجام شد و ما الان در نقاط مختلف ایران پزشک‌های بسیار خوبی داریم که مردم فقیر را معالجه می‌کنند، اما برخوردهای تلخی که با جامعه پزشکی می‌شود گویی قدر این داشته‌ها را نمی‌دانند. در دنیا ارزانترین ویزیت پزشک در ایران است، ویزیت یک پزشک در ایران از عراق و افغانستان کمتر و حدود یک‌سوم آن‌ها است، با این وجود پزشکان ما همچنان کار می‌کنند.

بیمارستان‌ها در کشور ما با بحران‌های اقتصادی مواجه شده‌اند، بیمه‌های ما ضعیف شدند و نمی‌توانند حمایت کنند، دارو خانه‌ها شش ماه تا یک سال پولی از بیمه دریافت نمی‌کنند. امیدوارم این دولت قدر این نظام سلامت را بداند، درباره سلامت از نظر اقتصادی تصمیمات درستی بگیرد و به پزشکان احترام بگذارد. این مسائل که شما گفتید سال‌ها است که مطرح می‌شود، درست است که بالای ۱۷ هزار خانه بهداشت داریم، اما امکاناتی که در این خانه‌ها ارائه می‌شود همچنان مورد پرسش است. بله قبول دارم این مشکلات همیشه بوده، اما الان وضعیت اقتصادی خیلی بد شده است، شرایط بحرانی که الان بوجود آمده حاصل شرایط اقتصادی است. تا سه سال قبل وقتی یک دکتر در ایران درآمد خودش را با دکتر دیگری در امارات یا آمریکا مقایسه می‌کرد متوجه می‌شد قدرت خرید هر دو شبیه به هم است، اما الان کاملاً تغییر کرده، وقتی وضعیت اقتصادی کشور خراب می‌شود اثر خودش را روی همه بخش‌های کشور می‌گذارد. الان خانه‌های بهداشت ما مجهز هستند، اینکه شاخص سلامت ما از آمریکا بهتر شده به خانه‌های بهداشت و امکانات موجود در این خانه‌ها برمی‌گردد، اما با این وجود واقعا چرا همیشه مشکل داریم؟ دلیل‌اش آن است که دولت جمهوری اسلامی هیچ‌وقت نخواست سهم سلامت را بدهد، در آمریکا و اروپا ۲۰ درصد از درآمد ناخالص ملی به سلامت اختصاص داده می‌شود، در ایران این سهم حدود ۴ الی ۵ درصد بود که بعد از تلاش‌های ما به ۹ درصد رسید اما الان این سهم مجدد به ۴ درصد رسیده است، اگر می‌خواهیم نظام سلامت خوبی داشته باشیم باید برای آن سرمایه گذاری کنیم، بنابراین ریشه تداوم مشکلات به عدم سرمایه‌گذاری کافی برمی‌گردد.

یکی از کارکردهای خانه‌های بهداشت سلامت زنان است، طرح جوانی جمعیت که به قانون تبدیل شد یکسری محدودیت‌ها برای غربالگری و وسایل پیشگیری از بارداری ایجاد کرد، نظر شما درباره این قانون چیست؟

این کارها همه‌اش اشتباه است، همان زمانی که من در وزارت بودم تسهیلات زایمانی در روستاها ایجاد کردیم، یعنی در روستا زایشگاه درست کردیم. اما الان تصمیماتی که برای فرزند آوری گرفته می‌شود بخشی از آن براساس یک خرد جمعی صحیح نیست، ما باید واقعیت‌هایی را بپذیریم، واقعیت این است که وقتی زنان باسواد می‌شوند دیگر ۵ فرزند به دنیا نمی‌آورند، یکی از دلایل اصلی کاهش فرزند آوری باسواد شدن زنان است، الان خیلی از آنان شغل دارند.

از طرفی وقتی جوانان نتوانند خانه بخرند یا اجاره کنند چگونه می‌توانند بچه‌دار شوند، با حقوقی که دریافت می‌کند پول پوشک بچه را ندارد بپردازد، نیاز داریم تصمیمات سلامت مبتنی بر خرد جمعی و واقع بینی باشد، به‌همین دلیل است که قانون جوانی جمعیت را تصویب کردیم اما تعداد زاد و ولد در کشور ما امسال کمتر از پارسال بود.

در این قانون محدودیت‌هایی در غربالگری یا سقط درمانی داریم، آیا این محدودیت‌ها می‌تواند سبب‌ساز افزایش به دنیا آمدن نوزادان دارای معلولیت شود؟

قطعاً، اگر اجرا شود موجب می‌شود که معلولیت در ایران افزایش پیدا کند. همه این موارد تصمیمات صحیح و علمی نیست، شما موقعی می‌توانی وضع مملکت ایران را درست کنید که وضعیت اقتصادی را درست کنید، وضعیت اقتصادی را موقعی می‌توانید درست کنید که تحریم‌ها برداشته شود، مگر می‌شود وضع کشور را درست کرد درحالی که پول نفت فروخته شده را به ما نمی‌دهند. ایران همیشه کشور بزرگی بوده است، توانسته پشت یک میز با بزرگترین کشورهای دنیا بنشیند و تحریم‌ها را بردارد، اما متاسفانه یکسری افراد با این مخالف هستند.

آقای دکتر افرادی مانند شما که در سال‌های گذشته مسئولیت داشتند اخیراً نقدهای جدی به مدیریت کشور دارید، چرا حرف‌های شما را نمی‌شنوند؟

این افراد از اول انقلاب هم بودند، فقط فرقش این است که اول سرکار نبودند اما حالا همان‌هایی که آدم‌ها را از دانشگاه اخراج می‌کردند سرکار آمده‌اند. شما توجه کنید با تصمیمی که شورای نگهبان گرفت و یک فردی مثل علی لاریجانی، شخصیتی که می‌شود با او حرف زد را حذف کرد نتیجه این روزها بهترین از این نمی‌شود.

در انتهای گفت و گو از شما بپرسیم آیا به کسی توصیه می‌کنید در دانشگاه پزشکی بخواند؟

بهتر است این توصیه را از پسر من بپرسید که الان مشغول به کار شده است.

گلایه‌های پسرتان چیست؟

به هر حال فردی که همیشه شاگرد اول بوده، رتبه برتر کنکور داشته الان واقعا شب و روز دارد کار می‌کند و همیشه خسته هست، او بهتر می‌تواند جواب بدهد. اما من خودم همچنان توصیه می‌کنم که افراد وارد رشته پزشکی شوند، سختی‌هایش را تحمل کنند تا بتوانند به مردم خدمت کنند.

نظرتان درباره رواج خودکشی رزیدنت‌ها چیست؟

این مسئله به نا امیدی برمی‌گردد، مهم‌ترین عامل خودکشی نوعی افسردگی است و چیزی که خیلی بر آن تاثیر دارد ناامیدی است، وقتی آدم‌ها نمی‌توانند آینده روشنی برای خودشان تصور کنند، وقتی یک خانم دکتری فارغ‌التحصیل شده متوجه می‌شود حقوق کافی برای اداره زندگی نمی‌گیرد احساس می‌کند هیچ چیزی ندارد، این چیزی است که سبب افسردگی آدم‌ها می‌شود.

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰